



۲۰۱۶/۰۹/۳۰



بصیر صباح

آقای غنی! چرا چنین کردید؟

قسمت چهارم



این سینه بی کینه، پینه بسته است در آن صدها حکایت و قصه، نشسته است در آن
قلبی ست که سنگ بسته بر گور امید سنگی ست که جفا، شکسته است در آن

براساس این حکم سه ماده یی، مقام های ارشد دوره نخست و دوم ریاست جمهوری حامد کرزی، از حقوق و امتیازات ذیل مستفید می شوند:

تأمین امنیت با در نظر داشت اوضاع و احوال مربوط، حد اکثر الی چهار محافظ و تأمین خدمات صحی رایگان در شفاخانه های دولتی. هم چنین در صورت نداشتن موثر شخصی، توزیع یک عراده وسیله نقلیه مناسب (زرهی) با در نظر داشت موقف و سطح تهدیدات امنیتی، استفاده از پاسپورت سیاسی و استفاده از مساعدت های مالی با در نظر داشت قانون تنظیم معاش مقام های عالی رتبه دولتی و مصوبه شماره ۳۲، تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۵ شورای وزیران برای مدت پنج سال. با آنکه در این حکم در مورد مساعدت های مالی جزئیات ارایه نشده است، اما تأکید شده که این حکم بر اساس درخواست کتبی برخی از اعضای شورای وزیران پیشین ترتیب داده شده است. در همین حال، بر اساس این حکم مقام های ارشد دور نخست ریاست جمهوری که سمت های رسمی شان پایان یافته و در حال حاضر به وظیفه دولتی یا غیردولتی اشتغال ندارند، از معاش ماهوار حدود پنجاه درصد و مقام

های ارشد دوره دوم ریاست جمهوری از معاش ماهوار حدود هشتاد درصد مستفید می شوند. بر مبنای این حکم، اداره محافظت رجال برجسته مکلف ساخته شده که در راستای تأمین امنیت مقام های یاد شده حد اکثر چهار محافظ امنیتی در اختیار آنان قرار دهد و اداره امور و شورای وزیران نیز موظف شده که معاش ماهوار و مساعدت های مالی مقام های یاد شده را پرداخت کند. هم چنین، به وزارت صحت عامه دستور داده شده که خدمات صحی رایگان برای مقام های یاد شده ارایه کند و وزارت خارجه نیز در مورد تدارک پاسپورت سیاسی آنان مسؤول شناخته شده است.

نامگذاری میدان هوای کابل:

وزارت خارجه و شورای امنیت ملی طرز العملی را به ولسی جرگه فرستاده که بر اساس آن، در کنار مقام های ارشد حکومت به شماری از فرماندهان جهادی نیز مجوز عبور از سالون «VVIP» میدان هوایی بین المللی کابل صادر شده است. وزارت خارجه، در مکتوب شماره ۳۶۹۵، تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰، عنوانی وزارت دولت در امور پارلمانی کاپی طرز العمل استفاده از سالون های «VIP» و «VVIP» میدان هوایی بین المللی حامد کرزی را فرستاده است. این طرز العمل در پنج فصل و ۲۴ ماده تدوین گردیده و در حال حاضر در میدان هوایی بین المللی کابل عملی می شود.

پیش از این در میدان هوایی بین المللی کابل، تنها یک سالون «VIP» وجود داشت.

بر اساس مقررۀ شورای وزیران، نمایندگان، سناتوران، اعضای کابینه، اعضای شورای عالی ستره محکمه، والیان، بتاروال کابل، رئیس ستره محکمه، رئیس امنیت ملی سفیران و دیپلماتان ارشد کشورهای خارجی و برخی از مقام های ارشد دیگر می توانند با استفاده از پاسپورت سیاسی، در هنگام سفرهای خارجی خود از سهولت های سالون «VIP» استفاده کنند. اما به اخیراً در میدان هوایی بین المللی کابل یک سالون جدید دیگر به نام «VVIP» نیز ایجاد شده است. در فصل سوم طرز العمل استفاده از سالون «VVIP»، در کنار شماری از مقام های ارشد حکومت و سفیران کشورهای خارجی، برخی از قوماندانان جهادی و خانواده های شان نیز ذکر شده که می توانند در جریان سفرهای خارجی رسمی و غیر رسمی از این سالون استفاده کنند.

در ماده اول فصل سوم این طرز العمل، نام های شخصیت های ذیل آمده است: صبغت الله مجددی و خانواده شان، عبدالرسول سیاف و خانواده شان، پیر سید احمد گیلانی و خانواده شان، شیخ محمد آصف محسنی و خانواده شان، خانواده احمد شاه مسعود، خانواده برهان الدین ربانی.

با این حال، در این ماده تأکید شده که فرزندان و نواسه های بابای ملت (ظاهر شاه) و فرزندان و نواسه های سردار محمد داوود خان نیز می توانند در جریان سفرهای رسمی و غیررسمی از سالون های «VVIP» استفاده کنند.

در همین حال، شماری از اعضای کمیسیون روابط بین الملل ولسی جرگه طرز العمل تازه شورای امنیت و وزارت خارجه را غیر قانونی می خوانند. بر اساس قانون، دارندگان پاسپورت سیاسی می توانند در هنگام سفر های خارجی از سالون «VIP» استفاده کنند. پیش از این تنها یک سالون «VIP» در میدان هوایی بین المللی کابل

وجود داشت و در این سالون یک اتاق مخصوص برای رئیس جمهوری، معاونان و برخی از مقام های ارشد وجود داشت؛ اما اکنون سالون جدید دیگر به نام «VVIP» ساخته شده است .

حکومت به شماری از قوماندانان جهادی و خانواده های شان فرصت این را داده تا در جریان سفرهای خارجی از سهولت های سالون مخصوص «VVIP» استفاده کنند: «این کار حکومت خلاف قانون است و عملاً باعث گسترش انرژیزم و هرج و مرج می شود. این کار فرصت را برای کارهای غیرقانونی به دیگران مساعد می کند. کتگوری دارندگان پاسپورت سیاسی براساس قانون مشخص است و طرزالعمل تازه شورای امنیت و وزارت خارجه غیر قانونی است.

درحال حاضر بیش از ۴ هزار پاسپورت سیاسی به شکل غیرقانونی توزیع شده و کمیسیون روابط بین المللی در نظر دارد که دارندگان آن را افشاء کند. بر اساس احصائیه باید در جریان چند سال گذشته برای تمام مقام ها به شمول نمایندگان، سناتوران و دیپلمات های وزارت خارجه، حدود ۶۰۰-۷۰۰ پاسپورت سیاسی توزیع شده باشد، اما اکنون بیش از ۴ هزار پاسپورت سیاسی توزیع شده و باید دارندگان آن افشاء شوند. کمیسیون در نظر دارد که بالای وزارت خارجه فشار وارد کند تا دارندگان این تعداد پاسپورت سیاسی را افشاء کند.

این عضو کمیسیون روابط بین المللی هم چنین می گوید، در صورتیکه دارندگان پاسپورت سیاسی افشاء نشوند، هرج و مرج و کارهای غیرقانونی در میدان هوایی بین المللی کابل بیشتر می شود.

با آنکه شماری از اعضای کمیسیون روابط بین المللی ولسی جرگه می گویند که براساس مصوبه جدید این کمیسیون، تنها وسایط نقلیه رئیس جمهوری برحال، رئیس جمهوری پیشین و رئیس اجرایی تا زیر بال طیاره رفته می توانند؛ اما در طرزالعمل تازه تغییرات زیاد اعمال شده است. در طرزالعمل شورای امنیت و وزارت خارجه آمده که وسایط نقلیه «رئیس جمهوری برحال، رئیس جمهوری پیشین، رئیس اجرایی، معاونان رئیس جمهوری، معاونان رئیس اجرایی، معاونان پیشین ریاست جمهوری، روسای مجلسین شورای ملی و قاضی القضاات می توانند الی زیر بال طیاره در داخل میدان هوایی بین المللی حامد کرزی غرض انتقال مقام های مربوطه رفت و آمد کنند. در مصوبه کمیسیون روابط بین الملل، معاونان رئیس جمهوری پیشین، برحال، معاونان رئیس اجرایی، قاضی القضاات و رئیس های مجلسین از این امتیاز مستثنی هستند. در عین حال، مسؤولان وزارت امور خارجه می گویند که طرزالعمل استفاده از سالون های «VIP» و «VVIP» توسط شورای امنیت ساخته شده و مسؤولیت آن نیز به عهده شورای امنیت می باشد.



سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: پیشبرد این سالون ها مربوط وزارت خارجه است؛ اما فیصله و تصمیم گیری مبنی بر اینکه کی ها می توانند در سالون های «VIP» و «VVIP» رفت و آمد کنند، مربوط شورای امنیت است .

غنی میدانی که کرزی چه کرد؟؟

در یاد داشت هایی به واشنگتن از سوی سفیر امریکا ، کارل ایکنبری که یکی لیکس آن ها را افشاء کرد، سفیر امریکا به صورت مشخص از لحن منزجر کننده ای در توصیف مجالس خود با رئیس جمهور استفاده کرده است.

«در حقیقت، ناتوانی او در جهت دست یابی به ابتدایی ترین اساسات دولت سازی و عدم مصونیت عمیق او به عنوان یک رهبر، پذیرش هر نوع خطایی از جانب او را نا محتمل ساخته و از سوی دیگر تلاش های ما را برای یافتن کرزی به حیث یک همکار_مسئول دچار نوعی سردرگمی ساخته است.» آیکن بیری دو شخصیت رقیب با یکدیگر را در وجود کرزی تشخیص داده بود: «اولی اش شخصی ترسو و ضعیف است که با ابتدایی ترین اساسات ملت سازی هم آشنایی ندارد و چنان بیش از حد به خود آگاهی رسیده است که دیگر زمان بازبینی و بازنگری اش از سوی جامعه جهانی پایان یافته است. شخصیت دومی اش یک سیاست مدار زیرک و با هوشی را نشان می دهد که به عنوان یک قهرمان ملت گرا ظهور کرده است ... عمر زاخیلوال وزیر مالی که از احترام زیادی نزد کرزی برخوردار بود، به امریکایی ها گفته بود که «کرزی یک شخص بی نهایت ضعیف بود که به واقعیت ها گوش نمی داد و در عوض به سادگی از سوی هر کسی که می آمد و حتی قصه ها و طرح های بسیار عجیب و غریب را که برایش می گفت، به سادگی فریفته می شد.» به قول او، یک «حلقه داخلی» وزیران ارشد سیستمی را ایجاد کرده بودند تا زمانی که کرزی «بالای بعضی موضوعات برآشفته می شد» به گونه ای با هم کار کنند تا بر کرزی نفوذ داشته باشند.

سالهاسست که ما به کوره بی عدالتی، جنگسالاری، تفنگ کشی، روزگذرانی، مصلحت گرایی، بی غم باشی و بازی های نا فهمیده و نا سنجیده کرزی کباب شده ایم و با تداوم چنین یک حالتی در انتظار سراب باید باشیم. پس که چنین شد! آیا باز هم منتظر بود که دوران زمامداری کرزی و بی کفایتی و بی مسئولیتی ویرا تاریخ چه بنویسد و آیا ظالمانه نخواهد بود که اگر بگویم مورد عفو تاریخ قرار خواهد گرفت؟! تمام عملکرد کرزی به چند جاده و مکتب و اداره دولتی خلاصه می شود و گاهی از خود پرسیده ایم که چه مقدار پول های هنگفت خارجی به باد داده شده و چقدر متخصص داخلی و بیرونی عرق ریخته اند و نزدیک به یک و نیم دهه سپری گردیده است؟! آیا در آخرین روزهای پایانی اداره کرزی در انتخابات چه گذشت و باز هم تفنگها از خانه ها و پس خانه بیرون و تفنگداران شاخ و دم شورانی نمودند. کرزی که طی این مدت نتوانست یک مشت اوباش تفنگدار و جنگ سالار را

مهار نماید و راکت پرانی و مداخلات علنی پاکستان را متوقف نماید و حدود پنج صد تاراجگر و مفسد را که ازین کرسی به آن کرسی کوچ کشی می نمایند و همه دار و ندار وطن را به یغما برده اند و ادار به قانون پذیری و وطن دوستی نماید، آیا باز هم امیدوار بود که تاریخ نام کرزی را چگونه بنویسد؟؟.

امریکا از سال دوهزار و دو تا دوهزار و دوازده حدود یکصد و چهار میلیارد دالر را در بخش های نظامی، حکومت داری خوب، توسعه اقتصادی و اجتماعی در افغانستان مصرف نموده است.

اما میلیون ها دالر حیف و میل شده از کمک های خارجی و سرمایه ملی در سال های گذشته و مصارف روزافزون اجتماعی و سیاسی آن در کشور، جلوگیری از فساد اداری، به یک بن بست واقعی مواجه گردیده که دور نمای توسعه، ثبات و دموکراسی در افغانستان را کاملاً به مخاطره انداخته است. فساد در تمامی ابعادش در کشور و سوء استفاده از امکانات دولتی برای مقاصد شخصی گرفته تا خرید و فروش پست های مهم سیاسی، فساد در پروژه های عام المنفعه مانند سرک سازی، دزدی از معاشات کارمندان دولتی، غضب زمینهای دولتی

توسط مقامات بلند پایه دولتی و قوماندانان سالاران، تبدیل شدن رشوت ستانی به یک امر معمول در ادارات، کم کاری و حیف و میل شدن میلیون ها دالر از سرمایه ملی روز به روز در حال افزایش می باشد.

به نظر می رسد یک رابطه تنگاتنگ بین فساد و کمک های خارجی در افغانستان وجود دارد. این نه به دلیل نفس فساد زایی کمک های خارجی، بلکه ناشی از سوء مدیریت و فقدان یک مکانیسم شفاف اداری در افغانستان می باشد. تاریخ کمک های جهانی به کشورهای جهان سوم نشان می دهد که به هر میزانی که سطح فساد در کشور کمک گیرنده بلند باشد به همان میزان مؤثریت کمک های خارجی کاهش می یابد.

این نگرانی در افغانستان نیز به قوت خود باقی است. بانک جهانی در گزارشی درمورد اقتصاد افغانستان پس از دو هزار و چهارده، مصرف ناعادلانه کمک های بین المللی در افغانستان را مورد انتقاد قرار داده است. مطابق به ارزیابی بانک جهانی، قسمت زیاد این کمک ها در مناطق نا امن به هدف ایجاد ثبات سرمایه گذاری شده است. هرچند شواهد نشان می دهد که مصرف میلیون ها دالر در مناطق نا امن نه تنها در کاهش خشونت کمک نکرده است بلکه از هر نگاهی تبدیل به یک عنصر اصلی افزایش خشونت شده است.

یکی از پیامدهای تخصیص ناعادلانه این کمک ها افزایش شکاف های اقتصادی بین مناطق مختلف بوده است. بعضی مناطق با استفاده از این کمک ها از فرصت های بهتر برای سرمایه گذاری، رشد و توسعه، برخوردار بوده اند و بعضی مناطق دیگر از این فرصت ها کاملاً محروم مانده اند. اگر این روند ادامه یابد، افزایش شکاف های اقتصادی که منجر به نابرابری های اجتماعی می شود، مؤثریت کمک های خارجی را کاهش داده و تبدیل به یک عنصر ضد توسعه خواهد شد. بنابراین انتظار می رود که این بار دولت با سیاست های درست اقتصادی در مصرف عادلانه این کمک ها در کشور اقدام نماید، در غیر آن میزان مؤثریت این کمک ها کاهش خواهد یافت.

ادامه دارد...